علی‌محمدی/ایران

ساعتی در قدیمی‌ترین کارگاه سفیدگری مس تهران

۶۰ سال روسفیدی

یوسف حیدری
گزارش نویس

هرم گرمای کوره از ورودی کوچه بن‌بست محله سرپولک توی صورت می‌زند. با نزدیک تر شدن به کارگاه، صدای کوره نیز هر لحظه بیشتر می‌شود. قابلمه‌ها و ظروف مسی روی هم چیده شده‌اند و منتظرند به نوبت داخل کوره بروند. یک دیگ بزرگ مسی هم به دیوار تکیه داده است؛ ناخواسته بوی سمنو در مشامم می‌پیچد. قراراست برای هفته آخر سال آماده باشد. عبدالله کنار دیگ نشسته و به کار شاگردانش نگاه می‌کند. می‌گوید وقتی آنها را می‌بینم به ۵۰ سال پیش برمی‌گردم؛ روزهایی که همین جا از طلوع آفتاب تا پاسی از شب کار می‌کردم تا سفارش مردم را آماده کنم. کوره و مس و قلع بچه‌های من هستند و خوشحالم پیش مردم روسفید هستم.

صدای سفیدگرهای دوره گرد یکی از خاطره‌های فراموش نشدنی بچه‌های دهه ۵۰ و ۶۰ است. صدای اوستای سفیدگر وقتی بلند می‌شد زنان خانه دار با قابلمه و سینی و بشقاب و البته گاهی هم آفتابه مسی در کوچه دورش جمع می‌شدند. اوستا بساطش را پهن می‌کرد و با زغال ظروف مسی را داغ می‌کرد تا برای آب کردن قلع آماده باشند. بچه‌ها با ذوق به دست اوستا خیره می‌شدند تا اینکه دستمال داخل پودر جادویی می‌رفت و روی ظروف سر می‌خورد. ظرف‌ها در چشم به هم براق و سفید می‌شدند و ما با خوشحالی آنها را برمی‌داشتیم و تا خانه می‌دویدیم.

«از آن سال‌ها، من مانده‌ام و همین مغازه کوچک؛ البته هنوز هم مثل قدیم با پرس و جو در بازار بالاخره ما را پیدا می‌کنند. ۶۰ سالی هست که اینجا هستم و شکل مغازه‌ام هم عوض نشده. هر بار که از بیرون نگاه می‌کنم پرت می‌شوم به ۵۰ سال قبل؛ روزهایی که پاییز پربرف و بارانی داشت و مردم برای گرم شدن کنار کوره می‌ایستادند و سفیدکاری ظروف مسی را نگاه می‌کردند.»

حاج عبدالله به کیسه سفیدی گوشه کارگاه اشاره می‌کند و می‌گوید: «با این وضعیت گران شدن قلع دیگر دست و دلم به کار نمی‌رود. قلع ماده اصلی سفید کردن مس است. ۱۰ سال قبل هر کیلو قلع را ۷۰ هزار تومان می‌خریدیم الان هر کیلو یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. خیلی از سفیدگرهای بازار بعد از گران شدن قلع جمع کردند و سراغ کار دیگری رفتند. من هم فقط به خاطر مردم و ۶۰ سال اعتباری که برای خودم جمع کرده‌ام، ماندم. آنهایی که از ظرف مسی استفاده می‌کنند کارگاه من را می‌شناسند. البته این چند سال هم نگاه مردم به مس عوض شده و بیشتر استفاده می‌کنند. مس خیلی بهتر از آلومینیوم و تفلون است. آنها مواد شیمیایی دارند و بعد از سال‌ها استفاده، سرطان‌زا می‌شوند اما مس خالص است و هیچ ماده شیمیایی ندارد. این را من نمی‌گویم که فکر کنی می‌خواهم کار خودم را تبلیغ کنم، دکترهای طب سنتی از خواص مس خیلی گفته‌اند. نسل در نسل، ما از مس استفاده می‌کردیم.

مس برای کسانی که کم خونی دارند خیلی مفید است و باعث آرامش اعصاب و روان هم می‌شود. قدیم‌ها که همه از مس استفاده می‌کردند این قدر مریضی نبود. همه سالم بودند و عمر طولانی داشتند؛ اما الان خیلی‌ها حاضر نیستند حتی از بشقاب ملامین استفاده کنند و ترجیح می‌دهند غذا را در ظروف یک بار مصرف بخورند. ظرف یک بار مصرف هم شد ظرف؟ قدیم‌ها غذا خوردن احترام داشت و در بهترین قابلمه و بشقاب مسی سرو می‌شد. الان در ظروف یک بار مصرف که با مواد شیمیایی خطرناکی درست می‌شوند غذا می‌خورند؛ تا به این سن که رسیده‌ام یک بار هم در ظرف یک بار مصرف غذا نخورده‌ام.»

> حاجی می‌گوید خیلی از اساتید بزرگ این کار از دنیا رفته‌اند و فقط چند نفر مانده‌اند. هنری که زمانی در همه سفرنامه‌های فرنگی‌ها دیده می‌شد و بخشی جدایی‌ناپذیر از بازار بود، یعنی زمانی که بازار محل تولید بود نه فقط محل فروش؛ سال‌هایی که صدای چکش مسگری و تار پنبه‌زنی با بوی ادویه‌کوبی‌ها و رنگ‌های چشم نواز درهم می‌آمیخت. بازار زمانی خود زندگی بود

زن با صدای بلند سلام و علیک می‌کند. از زیر چادر دو قابلمه مسی بیرون می‌آورد و روی زمین می‌گذارد: «حاجی اینها را برام سفید کن. ته قابلمه داشت قرمز می‌شد و وقت سفید کردنش بود. سفارش کن درست و حسابی سفید کنند.» بعد رو به من می‌گوید: «اینها جهاز من هستند. خدابیامرز مادرم کلی ظروف مسی برای جهیزیه‌ام خریده بود. آن موقع ظروف مسی سرگل جهاز عروس بود. اصلاً کسی از ملامین و آلومینیوم استفاده نمی‌کرد. شب جمعه منزل پدربزرگ جمع می‌شدیم و غذا را در مجمع‌های بزرگ مسی سر سفره می‌آوردیم و با لذت می‌خوردیم. مس بخشی از خاطرات فراموش نشدنی ما است.»

با اشاره حاج عبدالله شاگرد کارگاه، قابلمه‌ها را برمی‌دارد و می‌برد داخل. حرارت کوره بیشتر می‌شود و قابلمه‌ها یکی‌یکی روی صفحه فلزی قرار می‌گیرند تا حرارت بخورند. چند دقیقه بعد با دستمال آغشته به قلع قابلمه‌ها سفید می‌شود و انتهای کارگاه چیده می‌شوند. حاج عبدالله به یکی از قابلمه‌ها اشاره می‌کند و از شاگردش می‌خواهد آن را دوباره سفید کند: «از شکل قابلمه‌ها مشخص است برای کدام شهر است. این دیگ را که می‌بینی برای اصفهان است. آن یکی هم برای زنجان. آنهایی که چکش می‌خورند برای زنجان است و چکش نخوره‌ها هم برای اصفهان. البته در تهران هم ظروف مسی در چند کارگاه تولید می‌شود. یکی از این مغازه‌ها کمی پایین‌تر از کارگاه ما، مال حاج اکبر است که از قدیمی‌های این کار است. خدا را شکر چین هنوز نتوانسته ظروف مسی تولید کند واین هنر کاملاً ایرانی است. اینکه چه زمانی باید مس را سفید کرد بستگی به سلیقه دارد. تا زمانی که ته قابلمه به قرمزی نزده می‌توانیم از آن استفاده کنیم ولی اگر قرمز شد باید سفید کنیم. رنگ قرمز قابلمه‌های مسی هم خطرناک هستند و هم باعث تلخ شدن غذا می‌شوند. چند سالی است خودم کار نمی‌کنم ولی هر روز اینجا می‌نشینم و کار این دوتا جوان را نگاه می‌کنم که درست انجام بدهند. قبلاً اینجا چند کارگاه سفیدکاری مس بود اما خیلی‌ها جمع کردند. ما شاید آخرین بازمانده‌های سفیدگری در تهران باشیم.»

سماورهای مسی در اندازه‌های مختلف بیرون مغازه چیده شده‌اند. درخشش نور آفتاب روی سماور چشم را می‌زند. حاج اکبر بیرون مغازه نشسته و به سماورها خیره شده است. می‌گوید لذتی که خوردن چای با سماورهای زغالی مسی دارد در هیچ سماور و قوری دیگری نمی‌توانی پیدا کنی: «مس داریم تا مس. این سماور را ببین آن قدر سنگین است که یک نفری بسختی می‌توانی بلند کنی. چند سالی است مردم رغبت بیشتری به مس پیدا کرده‌اند. به من سفارش ساخت سماور طرح روسی می‌دهند. این سماور با دوتا زغال آب را جوش می‌آورد. نه نیازی به نفت داری نه گاز؛ مناسب مسافرت و پیک نیک. سفارش قابلمه و دیگ هم دارم. ساخت قابلمه سه روز زمان می‌برد. آن قدر باید چکش بزنیم تا چفت و محکم شوند.» حاجی می‌گوید خیلی از استادان بزرگ این کار از دنیا رفته‌اند و فقط چند نفر مانده‌اند. هنری که زمانی در همه سفرنامه‌های فرنگی‌ها دیده می‌شد و بخشی جدایی‌ناپذیر از بازار بود. یعنی زمانی که بازار محل تولید بود نه فقط محل فروش؛ سال‌هایی که صدای چکش مسگری و تار پنبه زنی با بوی ادویه کوبی‌ها و رنگ‌های چشم نواز درهم می‌آمیخت. بازار زمانی خود زندگی بود.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۲۱

آسان

۵	۷				۴			۱
				۹			۳	۶
	۳	۶				۴		
۶			۲				۴	
۳		۲			۱			۸
	۵		۱					۶
	۶		۷	۸	۲	۵		
	۱					۸	۲	
۹			۱			۶		۷

متوسط

			۱			۶	۸	
۲				۳		۹		
۷		۳	۸		۴	۱		
۳		۷	۲					
۸								۴
				۸	۹			۶
		۹	۵		۶	۲		۱
	۷		۳					۹
۶	۸			۲				

سخت

۴					۳		۹	۲
۶				۲			۳	
					۱			
۵							۲	
۲		۶	۷		۹	۸		۱
	۸							۷
				۴				
				۵			۷	۸
۹	۱		۳				۶	۵

خیلی سخت

					۹		۳	۱
۹							۲	
۱	۸		۷	۶				
۵				۹			۷	
۴								۳
۲		۹		۸				۴
				۳	۸		۵	۷
								۲
۷	۱		۴					

حل جدول سودوکو شماره ۳۸۲۱

آسان

۵	۷	۸	۱	۶	۴	۳	۹	۲
۴	۳	۶	۹	۲	۸	۱	۷	۵
۱	۹	۲	۳	۵	۷	۶	۴	۸
۶	۴	۳	۲	۸	۵	۹	۱	۷
۳	۵	۹	۶	۷	۱	۸	۲	۴
۸	۲	۷	۴	۹	۳	۵	۶	۱
۹	۸	۴	۷	۱	۶	۲	۵	۳
۷	۱	۵	۸	۳	۹	۴	۷	۶
۲	۶	۱	۵	۴	۷	۷	۸	۹

متوسط

۸	۶	۱	۴	۵	۲	۹	۷	۳
۵	۹	۲	۷	۳	۶	۸	۱	۴
۷	۳	۴	۸	۱	۹	۶	۲	۵
۳	۷	۸	۲	۶	۵	۱	۴	۹
۴	۱	۹	۳	۲	۷	۵	۶	۸
۶	۲	۵	۹	۸	۴	۳	۱	۷
۱	۸	۶	۵	۷	۳	۴	۹	۲
۹	۴	۳	۱	۹	۸	۷	۵	۶
۲	۵	۷	۶	۴	۱	۲	۸	۹

سخت

۴	۱	۵	۸	۷	۳	۶	۹	۲
۶	۷	۹	۴	۲	۵	۱	۳	۸
۳	۸	۲	۹	۶	۱	۴	۷	۵
۵	۶	۴	۳	۹	۷	۸	۲	۱
۲	۹	۳	۱	۵	۸	۷	۶	۴
۸	۵	۷	۲	۴	۶	۹	۱	۳
۹	۳	۸	۶	۱	۴	۲	۵	۷
۱	۴	۶	۷	۳	۹	۵	۸	۶
۷	۲	۱	۵	۸	۴	۳	۶	۹

خیلی سخت

۸	۷	۳	۶	۴	۱	۵	۲	۹
۴	۱	۲	۵	۹	۳	۸	۷	۶
۵	۹	۶	۸	۷	۲	۱	۴	۳
۷	۶	۹	۳	۱	۸	۴	۵	۲
۱	۳	۴	۷	۲	۵	۹	۶	۸
۲	۸	۵	۹	۶	۴	۳	۱	۷
۹	۴	۸	۱	۵	۶	۷	۳	۱
۳	۵	۷	۴	۸	۹	۶	۱	۲
۶	۲	۱	۲	۳	۷	۲	۸	۴

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۷۹۰

جدول عادی

افقی:
۱- ماهی که پشت سر گذاشتیم!- اجتماعی‌شدن
۲- دوم‌عرب- جای‌سرسبز- اسم‌پسرانه
۳- بیابان‌بی‌آب- قسمی‌چراغ- سازارامنه
۴- مخفف‌آواز- دهان- دوست،یار- شهری‌در«امارات»
۵- آبدار- ماه‌میلادی- دخترمازنی
۶- دوباره‌کاری- انجمن‌تیزهوشان- فنجان‌قهوه
۷- ورزشی‌خشن- فزونی‌ها- محصول
۸- ازصوفیان‌ورباعی‌گویان‌ایرانی‌سده‌های‌ششم‌و هفتم‌هجری
۹- معشوق- جسم- پیام‌آور
۱۰- نشانه‌فعلی‌جمع- ضربه‌روی‌ماوس- چهره‌را‌زیباتر می‌کند
۱۱- پسوندنواختن- جاهل- مخفف‌چند
۱۲- انداختن- مرکز«بنگلادش»- جنس‌پرزور!- جان‌و روان
۱۳- یار«پیچ»- گلی‌زینتی- صبور
۱۴- عطرشیرینی- اسم‌مصدرازفعل‌ریختن- گذرگاه سیل
۱۵- تابلوی‌استاد«کمال‌الملک»- ازجنس‌فلزمادر

عمودی:
۱- دیدگاهی‌فلسفی- رازهای‌پنهان
۲- دارای‌محصول‌یا‌میوه- کشوری‌جزیره‌ای‌در‌آسیا- عنان
۳- سوم‌شخص‌جمع- مهارت- حقه‌زدن
۴- دلیر- محکم،استوار- مخفف‌که‌او- با«ویر»وضعیت شلوغ‌وآشفته‌است
۵- اندیشیدن- علامت‌نگارشی- هنگام‌تعجب‌به دندان‌می‌گزند
۶- نام‌جمشید- ازانجیل‌ها- جاودانه
۷- فرع‌نیست- گردشگاه‌استان‌فارس- چاقوی‌مطبخ
۸- فخرکننده- زینت- نام‌دخترانه‌روسی‌رایج‌درایران
۹- کارگزار- برنده‌صلح‌نوبل۱۹۹۳- پیش
۱۰- گردش‌گروهی- تن،پیکر- شوهرمازنی
۱۱- آماس- شهری‌در‌استان‌گیلان- نوعی‌تحریک پوستی
۱۲- دانه‌روغنی‌خوراکی- مکان- دندانپزشک- اغما
۱۳- پسرچهارم‌یعقوب‌نبی- خنک،سرد- ازخنده می‌روند
۱۴- جیره‌غذای‌روزانه- گونه‌ای‌قایق‌باریک‌و‌کوچک- کارتون‌قدیمی
۱۵- زاپاس- ملالت‌وآشفتگی

جدول ویژه

افقی:
۱- درس‌موضوعی- اثری‌از«آلفونس دولامارتین»
۲- اندازه‌لباس- شیرینی‌یا‌خوردنی‌در‌تداول‌اطفال- درمان‌کننده
۳- اسب‌اصیل- شهری‌در‌استان«مازندران»- شهری‌در «روسیه»
۴- ضمیر‌اشاره‌برای‌نزدیک- نت‌بعد‌از«می»- دستگاهی‌جهنده- کوهه
۵- جای‌پا- چست‌وچابک- سلامتگاه
۶- آرشیتکت- واگیردار- زائده‌پشت‌جانور
۷- جمع‌رسم- غذای‌فرنگی- وسیله‌آراستن‌مو
۸- فیلمی‌از«امیرداسارگر»(۱۳۹۸)
۹- شهری‌در«اتریش»- شهرشمالی- افسون
۱۰- همسرمرد- خاکستری‌تیره- مایع‌ضدعفونی
۱۱- تلاش‌جدی- زیرساخت‌نقاشی- دویارهم‌قد!
۱۲- کشش- شرکت‌خودروساز‌امریکایی- قسمی‌حلوا- واحدپول«اروگوئه»
۱۳- کاست‌صوتی- اشاره‌به‌دور- نام‌دخترانه
۱۴- بیان‌کردن- نوعی‌زغال‌طبیعی- ندادهنده
۱۵- اثری‌از«سهراب‌سپهری»- نام‌پسرانه

عمودی:
۱- اثر«اقبال‌لاهوری»- نتیجه‌دهنده
۲- سیاره‌زهره- سال‌ها- کشورنیشکر
۳- گریه- زادگاه- حس‌آزمودن‌مزه‌چیزی
۴- قبال- ژرف‌نگری- اثر«سیده‌زهرا‌حسینی»- نقص فنی‌اتومبیل
۵- اصلاح- تندراه‌رفتن- بوی‌کهنگی
۶- صدای‌برخورد- شکلک- کتاب«دونالدبارتلمی»
۷- واحدشمارش‌چارپا- فعالیت‌تفریحی- کشیده‌شده
۸- سکنی‌گزیدن- گرگ- مرحبا
۹- زدنی‌نارفیق- تمرین- سرپرستار
۱۰- سنگ‌قیمتی- نخست- صنم
۱۱- پیش‌درآمدغم- بازی‌هندی- الهه‌زیبایی
۱۲- شامل‌تر- ماه‌کارگری- ژورنال- خوگرفتن
۱۳- گلی‌خوشبو- خواننده«الهه‌ناز»- حفاظوحمایت
۱۴- وسیله‌ای‌درموتورهای‌درون‌سوز- تحیت- رهایی
۱۵- یکدنده- هافبک هجومی آلمانی و مشهور «فنرباغچه»

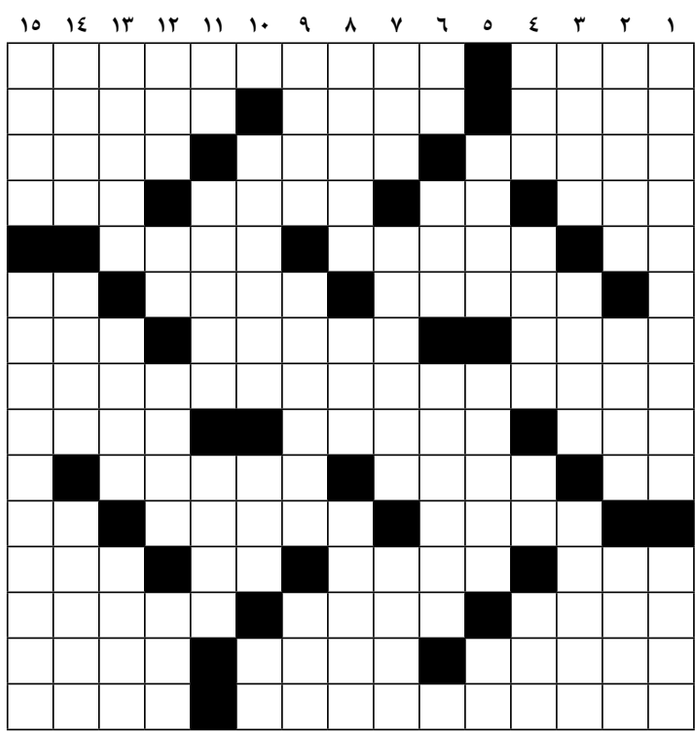

حل جدول عادی شماره ۷۷۸۹

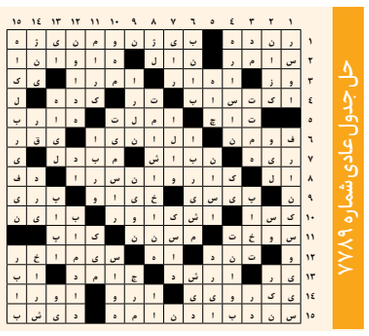

حل جدول ویژه شماره ۷۷۸۹